

به خاشقچی پیشنهاد دادم که یک شرکت مشترک تأسیس کنیم که این سه پروژه مشترک را با هم هماهنگ و مدیریت کند: کارخانه لوله، شبکه ارتباطی جدید خودمختار و تأسیساتی برای آب شیرین و انرژی در غزه. با هم توافق کردیم که شرکت سهامی تأسیس کنیم که نصف سهام آن در دست ما باشد و نصف دیگر آن در دست فلسطینی‌ها و سرمایه‌گذاران دیگر. ارزیابی ما این‌گونه بود که طرحی از این نوع با سرمایه‌گذاری بیش از صد میلیون دلار ادامه بایدب که بخشی از آن به‌عنوان کمک‌های بشردوستانه است. دو شرکت ژاپنی «یشو ایوی» و «فادکو» علاقه خود را به این موضوع نشان دادند. مقامات ارشد فلسطینی نیز با آنها به صورت مسالمت‌آمیز ارتباط گرفتند. تخمین زدم برای جمع‌آوری مبالغی که نیاز داریم، مشکلی نخواهیم داشت.

۹ سپتامبر ۱۹۹۳ تایمز در لندن مقاله‌ای

حکومت خودگردان فلسطینی را ارائه کرد که در چارچوب آن حدود چهارصد میلیون پوند به این منطقه واریز خواهد شد. خاشقچی به‌طور کامل در گیر این موضوع شده بود. در مقالاتی که در هرالد تریبون (۱۰/۹/۹۳) و معاریو (۱۵/۱/۹۳) چاپ شد، او جهان‌بینی خود را نشان داد که براساس آن صلح باید جامع، متصفانه، دائمی و سودآور

چند پروژه مهم در دستور کار قرار گرفتند: ساخت یک بندر شناور در غزه، تأسیس کارخانه آب‌شیرین‌کن توسط نیروگاهی در غزه، پروژه ارتباطات مخابراتی، پروژه ساخت واحدهای ساختمانی به صورت مستقل، ساخت کارخانه لوله در مرز غزه–اسرائیل و غیره. طرح مشترک خاشقچی و من با تیتیر برجسته در روزنامه معتبر وال‌استریتژورنال اروپا، چاپ شده بود.

ساخت یک بندر شناور در غزه، تأسیس کارخانه آب‌شیرین‌کن توسط نیروگاهی در غزه، پروژه ارتباطات مخابراتی، پروژه ساخت واحدهای ساختمانی به‌صورت مستقل، ساخت کارخانه لوله در مرز غزه–اسرائیل و غیره. طرح مشترک خاشقچی و من با تیتیر برجسته در روزنامه معتبر وال‌استریتژورنال اروپا، چاپ شده بود. این روزنامه در فوریه ۱۹۹۴ گزارشی

حکومت خودگردان فلسطینی را ارائه کرد که در چارچوب آن حدود چهارصد میلیون پوند به این منطقه واریز خواهد شد. خاشقچی به‌طور کامل در گیر این موضوع شده بود. در مقالاتی که در هرالد تریبون (۱۰/۹/۹۳) و معاریو (۱۵/۱/۹۳) چاپ شد، او جهان‌بینی خود را نشان داد که براساس آن صلح باید جامع، متصفانه، دائمی و سودآور

«امید و شکست» **خاطر ات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۱۰۱**

ارتباطات مخابراتی



باشد و فقط بخش خصوصی می‌تواند با همکاری بخش اقتصادی، از این جهت که این امر به سرمایه‌گذاران و مکان‌های سرمایه گذاری بستگی دارد، در حفظ صلح موفق شود. اکتبر ۱۹۹۳ بعد از امضای قرارداد اسلو، خاشقچی نامه‌های قدردانی پرز احساسی برای نخست‌وزیر اسحاق رابین و وزیرخارجه شیمون پرز فرستاد و شجاعت آنها و امیدی را که برای دو ملت در خاور میانه ایجاد کردند، ستود. وزیر امور خارجه پرز در نامه‌ای به او پاسخ داد و کمک‌های مورد انتظار از خاشقچی برای تحقق قرارداد اسلو، از طریق طرح توسعه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی در منطقه را یادآور شد. چند پروژه مهم در دستور کار قرار گرفتند:

درباره طرح‌هایی که با سرمایه‌گذاری حدود پانصد میلیون دلار مورد توافق قرار گرفته بودند، نوشت.

برای من و خاشقچی روشن بود که این طرح‌ها باید در نوار غزه متمرکز باشند، یکی از پرازدحام‌ترین مناطق در جهان: نزدیک به یک میلیون نفر آواره که پنجاه سال است در این ساحل باریک در فقر بدون منابع طبیعی، منابع آبی و مالکیت زمین زندگی می‌کنند.^۱ غزه متقاضی این طرح‌های اقتصادی بود و ما

می‌خواستیم این روندها را رهبری کنیم. در پایان آگوست شروع به تدوین ایده‌های اولیه برای پروژه جدید در زمینه ارتباطات مخابراتی در مناطق مستقل کردیم. در نوار غزه و کرانه

پاورقی

Research@kayhan.ir

باختری هیچ زیرساخت ارتباطی مستقلی به جز چند خط تلفن وجود نداشت. سال ۱۹۹۳ در منطقه خودگردان فلسطین حدود دو میلیون نفر زندگی می‌کردند و حدود هفتادوپنج هزار خط تلفن در اختیار آنها بود، حدود سه تلفن برای هر صد نفر. در مقایسه با اسرائیل، این نسبت در همان سال حدود سی‌ونج خط تلفن برای هر صد نفر بود. امکان ایجاد سیستم ارتباطی مستقل در کرانه باختری و غزه در چارچوب بحث درباره استقلال آن نیز مطرح شد. براساس محاسباتی که انجام دادیم پتانسیل افزایش آن خیلی زیاد بود. معتقد بودیم که در آینده نزدیک حدود سیصد هزار خط تلفن جدید به مناطق مستقل اختصاص داده خواهد شد. چنین افزایشی مستلزم سرمایه‌گذاری حدود نیم میلیارد دلار بود. در این پروژه ارتباطات را به‌عنوان اهمی برای رشد پرشتاب اقتصادی می‌دانستیم. هر کارآفرین امروزه می‌داند که راه رشد سریع از مسیر ایجاد زیرساخت مدرن می‌گذرد. چنین زیرساختی برای بنیان سرمایه‌گذاری‌های دیگر استفاده می‌شود، اشتغال برای صدها خانواده ایجاد می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سطح زندگی را سرعت می‌بخشد.

مطابق با برنامه‌های تجاری که تدوین کرده بودیم، برنامه این بود که این پروژه توسط چند سرمایه‌گذار شروع به کار کند. خاشقچی قرار بود سرمایه‌گذار خارجی و گروه نیمرودی سرمایه‌گذار اسرائیلی باشد و سرمایه‌گذاران فلسطینی هم به ما بپیوندند. به خاشقچی پیشنهاد دادم که یک شرکت مشترک به نام «KN اینترنشنال تلکام»، زیر شاخه شرکت «KN توسعه خاورمیانه» تأسیس کنیم. سهام این شرکت بین من و خاشقچی (پنجاه درصد برای هرودی ما) با سایر شرکا شامل فلسطینی‌ها از غزه و کرانه باختری (پنجاه درصد) تقسیم خواهد شد. قرار شد که اجرای این پروژه را شرکت «بزک» اسرائیل برعهده بگیرد، زیرا به نظر ما نهاد مناسبی برای این موضوع به نظر می‌رسید. در آن روزها «بزک» در میان جریان توسعه در تمام سیستم‌ها در مناطق اسرائیل بود. این شرکت، برای رشد پیش‌بینی‌شده در نتیجه تحولات سیاسی آماده شده بود و نیز برای این احتمال که از آن خواسته شود به علت داشتن تجارب ارزشمندش برای ایجاد شرکت ارتباطی در این مناطق کمک کند. با «موشه هبا» رئیس هیئت‌مدیره بزک ملاقات کردم و برنامه‌هایمان را به او ارائه کردم، او علاقه زیادی به این همکاری نشان داد.

بعد از ایسن که موافقت او را گرفتم و دریافتیم که از ایسن موضوع توجه دارد، دنبال فرد متخصصی گشتم که در رأس این پروژه قرار بگیرد.

پی‌نوشت:

۱. م. نیمرودی در اینجا به غزه به عنوان «پرازدحام‌ترین منطقه جهان» و حضور یک میلیون آواره در این منطقه اشاره می‌کند اما هیچ اشاره‌ای به علت این اتفاق ندارد. واقع علت ازدحام شدید در این منطقه و آوارگی ساکنان آن؛ اشغالگری رژیم صهیونیستی است. طبق آمار دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (OCHA) که سال ۲۰۱۷ منتشر شد، در باریکه غزه از هر ۱۰ نفر، ۷ نفر پناهنده هستند چون رژیم صهیونیستی با اشغال خانه و زمین‌شان در سال ۱۹۴۸ آنها را مجبور به مهاجرت به این منطقه کرده است.

صبح روز انتخابات حزبی، نظرسنجی دمویین رجیستر^۱، الگوی درجه یک در آیووا، گزارش داد که ترامپ پنج امتیاز از تد کروزر سناتور تگزاس^۲ جلوتر است. ترامپ از ایوانکا که پسر ما نتودور را شش‌ماهه باردار بود، خواسته‌تو تا در یکی از بزرگ‌ترین محل‌های انجمن در این ایالت، در کنار کروزر و سناتور کنکاتی، رند پل^۳، هر صد نفر بود. امکان ایجاد سیستم ارتباطی مستقل در کرانه باختری و غزه در چارچوب بحث درباره استقلال آن نیز مطرح شد. براساس محاسباتی که انجام دادیم پتانسیل افزایش آن خیلی زیاد بود. معتقد بودیم که در آینده نزدیک حدود سیصد هزار خط تلفن جدید به مناطق مستقل اختصاص داده خواهد شد. چنین افزایشی مستلزم سرمایه‌گذاری حدود نیم میلیارد دلار بود. در این پروژه ارتباطات را به‌عنوان اهمی برای رشد پرشتاب اقتصادی می‌دانستیم. هر کارآفرین امروزه می‌داند که راه رشد سریع از مسیر ایجاد زیرساخت مدرن می‌گذرد. چنین زیرساختی برای بنیان سرمایه‌گذاری‌های دیگر استفاده می‌شود، اشتغال برای صدها خانواده ایجاد می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سطح زندگی را سرعت می‌بخشد.

مطابق با برنامه‌های تجاری که تدوین کرده بودیم، برنامه این بود که این پروژه توسط چند سرمایه‌گذار شروع به کار کند. خاشقچی قرار بود سرمایه‌گذار خارجی و گروه نیمرودی سرمایه‌گذار اسرائیلی باشد و سرمایه‌گذاران فلسطینی هم به ما بپیوندند. به خاشقچی پیشنهاد دادم که یک شرکت مشترک به نام «KN اینترنشنال تلکام»، زیر شاخه شرکت «KN توسعه خاورمیانه» تأسیس کنیم. سهام این شرکت بین من و خاشقچی (پنجاه درصد برای هرودی ما) با سایر شرکا شامل فلسطینی‌ها از غزه و کرانه باختری (پنجاه درصد) تقسیم خواهد شد. قرار شد که اجرای این پروژه را شرکت «بزک» اسرائیل برعهده بگیرد، زیرا به نظر ما نهاد مناسبی برای این موضوع به نظر می‌رسید. در آن روزها «بزک» در میان جریان توسعه در تمام سیستم‌ها در مناطق اسرائیل بود. این شرکت، برای رشد پیش‌بینی‌شده در نتیجه تحولات سیاسی آماده شده بود و نیز برای این احتمال که از آن خواسته شود به علت داشتن تجارب ارزشمندش برای ایجاد شرکت ارتباطی در این مناطق کمک کند. با «موشه هبا» رئیس هیئت‌مدیره بزک ملاقات کردم و برنامه‌هایمان را به او ارائه کردم، او علاقه زیادی به این همکاری نشان داد.

بعد از ایسن که موافقت او را گرفتم و دریافتیم که از ایسن موضوع توجه دارد، دنبال فرد متخصصی گشتم که در رأس این پروژه قرار بگیرد.

مطابق با برنامه‌های تجاری که تدوین کرده بودیم، برنامه این بود که این پروژه توسط چند سرمایه‌گذار شروع به کار کند. خاشقچی قرار بود سرمایه‌گذار خارجی و گروه نیمرودی سرمایه‌گذار اسرائیلی باشد و سرمایه‌گذاران فلسطینی هم به ما بپیوندند. به خاشقچی پیشنهاد دادم که یک شرکت مشترک به نام «KN اینترنشنال تلکام»، زیر شاخه شرکت «KN توسعه خاورمیانه» تأسیس کنیم. سهام این شرکت بین من و خاشقچی (پنجاه درصد برای هرودی ما) با سایر شرکا شامل فلسطینی‌ها از غزه و کرانه باختری (پنجاه درصد) تقسیم خواهد شد. قرار شد که اجرای این پروژه را شرکت «بزک» اسرائیل برعهده بگیرد، زیرا به نظر ما نهاد مناسبی برای این موضوع به نظر می‌رسید. در آن روزها «بزک» در میان جریان توسعه در تمام سیستم‌ها در مناطق اسرائیل بود. این شرکت، برای رشد پیش‌بینی‌شده در نتیجه تحولات سیاسی آماده شده بود و نیز برای این احتمال که از آن خواسته شود به علت داشتن تجارب ارزشمندش برای ایجاد شرکت ارتباطی در این مناطق کمک کند. با «موشه هبا» رئیس هیئت‌مدیره بزک ملاقات کردم و برنامه‌هایمان را به او ارائه کردم، او علاقه زیادی به این همکاری نشان داد.

بودند، همه کمپین‌های دیگر غرقه‌های بزرگی داشتند که توسط گروه‌هایی از داوطلبان اداره می‌شد. آنها پوسترهای جذابی را به نمایش گذاشته بودند و انبوهی از کالاهای تبلیغاتی را هدیه می‌دادند. من و ایوانکا نتوانستیم حتی یک کارمند ستاد انتخاباتی ترامپ را در آنجا پیدا کنیم. با لواندوفسکی تماس گرفتیم، او قول داد تیمی در راه است، اما از صدای نامیدناه‌اش می‌شنیدم که مطمئن نیست چطور می‌خواهد این اتفاق بیفتد. از دستیار کمپین که ما را همراهی می‌کرد، زنی از آریزونا^۴ به نام استفانی گرشام^۵، خواستم که طرف دیگر میز ورق بازی خالی را بگیرد. ما آن را به در ورودی بردیم و یک صحنه نمایش موقت راهاندازی کردیم. در حالی که ایوانکا با طرفداران دست می‌داد و عکس می‌گرفت، من و گرشام دیوانه‌وار به‌دنبال دستورالعمل‌های انجمن ویژه سایت می‌گشتیم، اطلاعاتی که اکثر مردم هنگام آمدن به میز ما درخواست می‌کردند. از فقدان حرفه‌ای بودن در مهم‌ترین آزمون تا همه امروز، نشانه اطمینان‌بخشی از مدیریت لواندوفسکی نبود.

همان‌طور که برای ملاقات با سایر اعضای خانواده سوار یک هواپیمای کوچک به مقصد دمویین شدیم، نتایج اولیه نشان داد که ترامپ چندین امتیاز از کروزر عقب مانده است. ما

دبیرکل شد. کار را به اتفاق شهید سیدعباس از نو شروع کردیم و من تا هنگام شهادت سیدعباس، کارهای اجرایی را پیگیری می‌کردم. وقتی سیدعباس(رضوانه‌تعالی‌علیه) شهید شد و قبل از این‌که دفن شود، همگی تشییع را در بیروت انجام دادیم، سپس پیکرهای ایشان و خانواده‌اش را به بعلبک بردیم و در آنجا نیز تشییع کردیم. در بعلبک تا روز دوم ماندیم تا به نبی‌شیت برویم. در آن شب که در حقیقت قبل از دفن شهید سیدعباس بود، شورای اجرایی حزبالله جلسه گذاشت و بحث و مذاکره شد. طبعاً جلسه بسیار خاصی بود. یعنی همه در حالت روحی خاصی بودند و گریه می‌کردند. زیرا ما، جلوی مردم خودمان را کنترل می‌کردیم و گریه نمی‌کردیم. اما وقتی خودمان جلسه گذاشتیم، چندین ساعت در حال گریه بودیم، سپس برادران مسئله انتخاب دبیرکل را مطرح کردند. طبعاً همه برادرانی که آنجا بودند، از لحاظ سنی از من بزرگ‌تر بودند. بنی‌شیت محمد بزیک در حقیقت یکی از استادان من بود که من در پیشش چند بخش از کتاب «لمعه» را خواندم.ام. شیخ نعیم قاسم نیز از من بزرگ‌تر بود و شیخ صبحی طفیلی تنها فرد از نسل شهید سیدعباس بود. یعنی اگر به پیشش درس نخواندم و از استادانم نبود، اما او از نسل استادانم بود و آنان در کار و امور مربوط به خودمان، از من قدیمی‌تر بودند. با این وجود، همه این برادران اجماع‌نظر کردند که من دبیرکل بشوم و این برای من خیلی سخت و دشوار بود.

باید بگویم که قبل از آن جلسه و وقتی که برادران با من صحبت می‌کردند، نظرم بر این بود که شیخ صبحی دبیرکل بشود. او قبل از شهید سیدعباس دبیرکل بود، پس باید مجدداً دبیرکل می‌شد. اما در این جلسه، همه اجماع کردند که من دبیرکل شوم. حتی خود شیخ صبحی طفیلی، یعنی او بدلیل بسیاری ملاحظات، تأییدش بر این بود که من دبیرکل شوم.

روز دوم که برای تشییع پیکر شهید سیدعباس، همسر و فرزندش رفتیم، اعلام شد که ششورا جلسه انتخاب دبیرکل جدید را برگزار کرده است و من نیز در مراسم تشییع سخنرانی کردم. البته این‌کار خیلی زود و با عجله انجام شد که برای حزبالله اهمیت داشت و نیز ضربه مهمی بر صهیونیست‌هایی که خیال می‌کردند اگر سیدعباس را کشتند، ما اختلاف پیدا کرده

در برخی مواقع، خودم در جبهه‌های جنگ حضور مستقیم داشته‌ام. البته به این شکل که کلاشنیکوف به‌دست بگیرم و تیراندازی کنم، نبوده است اما در اتاق عملیات، در نبردهای مناطق ضاحیه و با در اقلیم التفاح یا جاهای دیگر، مشغول اداره عملیات بوده‌ام.

صفحه ۱۰
چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵
۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۶۰

ترامپ که می‌دانست نیهومیشایر می‌تواند برای او تعیین‌کننده باشد، یک هفته را به مسافرت شهر به شهر در ایالت گذراند. در آستانه انتخابات، ایلز با من تماس گرفت، او به من گفت که نظرسنجی‌های خروجی فاکس‌نیوز نشان می‌دهد که ترامپ با بیش از ده امتیاز برنده ایالت است. ما با ترامپ و بقیه کارکنان کمپین انتخاباتی در هتلی قدیمی اقامت داشتیم که لوله‌کشی آب گرم در وسط اتاق‌های خواب داشت.

من و ایوانکا به اتاق ترامپ رفتیم، اتاقی که می‌دانستیم درست بالای اتاق ما است، زیرا صدای گوشخراش تلویزیون او ما را ساعت چهار صبح بیدار کرده بود. من خبر ایلز را نقل کردم. ترامپ خوشحال شد. نیهومیشایر اعتقاد ترامپ را مبنی بر اینکه می‌تواند برنده شود، تأیید کرده بود.

کمتر از دو هفته بعد، ترامپ دوباره در



ترامپ که می‌دانست نیهومیشایر می‌تواند برای او تعیین‌کننده باشد، یک هفته را به مسافرت شهر به شهر در ایالت گذراند. در آستانه انتخابات، ایلز با من تماس گرفت، او به من گفت که نظرسنجی‌های خروجی فاکس‌نیوز نشان می‌دهد که ترامپ با بیش از ده امتیاز برنده ایالت است.

کارولینای جنوبی یک پیروزی بزرگ به‌دست آورد. اما مسابقه هنوز به پایان نرسیده بود. ائتلافی متشکل از سیاستمداران جمهوری‌خواه، کمک‌کنندگان مالی، و تأثیرگذاران رسانه‌ای شروع به راهاندازی یک کمپین تمام‌عیار برای جلوگیری از برنده‌شدن نامزد خارج از حزب، در نامزدی جمهوری‌خواهان کردند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Des Moines Register
۲. Texas senator Ted Cruz
۳. Kentucky senator Rand Paul
۴. DoubleTree
۵. Cedar Rapids
۶. Arizona
۷. Stephanie Grisham
۸. Bill Stepien
۹. Observer, Ken Kurson

حضور مستقیم داشته‌ام. البته به این شکل که کلاشنیکوف به‌دست بگیرم و تیراندازی کنم، نبوده است اما در اتاق عملیات، در نبردهای مناطق ضاحیه و با در اقلیم التفاح یا جاهای دیگر، مشغول اداره عملیات بوده‌ام. یا مثلاً یک‌بار پنج شش‌ماهی را به همراه تعدادی از برادران در محاصره به سر بردیم. خلاصه در همین حد.

شکر خدا در دوران مبارزه مجروح نشدم، البته دفعات زیادی تا مجروحیت پیش رفتم. مثلاً وقتی در ساختمانی که در آن سکونت داشتم، در محاصره بودیم، مثلاً در اینجا می‌نخستیم، موشک‌ها به اتاق‌های مجاور می‌خورند، اما اتاق ما آسیبی ندید و ما به طبقه دوم می‌رفتیم و موشک‌ها می‌آمدند و به هر آن‌چه در اطراف ما بود، آسیب وارد می‌کردند، اما اتاقی که من در آن بودم فقط شیشه‌ها و قسمت‌هایی از دیوار فرو می‌ریخت که البته من مجروح نمی‌شدم.

تلاش برای ترور من، عملاً یک‌بار در سال ۱۹۸۹م (۱۳۶۸هش) به‌وقوع پیوست. ما، در جاده بعلبک در حال تردد بودیم، همراهان عبارت بودند از سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی و سیدابراهیم امین. ماشین‌ها از یکدیگر جدا حرکت می‌کردند. آنان برای ترور ما، اتومبیلی مملو از مواد منفجره در کنار جاده قرار داده بودند. وقتی اولین ماشین از کاروان ماشین‌های ما رسید، بمب را منفجر کردند. برخی افسران مورد اصابت ترکش و خورده آهن قرار گرفتند، اما هیچ‌کدام از ما آسیبی ندید. فقط برخی از برادران در ماشین اول به‌صورت اندکی مجروح شدند. این تلاش عملی شد اما تلاشی که به انجام نرسید، مربوط به سه سال پیش است.

صهیونیست‌ها نقشه این ترور را کشیده بودند و در حال عملی ساختن آن بودند. ولی گروهی از نیروهای ویژه رژیم صهیونیستی که قرار بود عملیات ترور را اجرا کنند، در آخر مانور خود بودند که ظاهراً برحسب اتفاق، گلوله‌ای در میان آنها منفجر شد و همه کشته شدند که باعث لو رفتن طرح و منفی شدن عملیات ترور شد. یعنی لغو شد. این چیزی است که من می‌دانم، ولی آن‌چه را که نمی‌دانیم، خدا به آن آگاه‌تر است. ایسن ققییه تصادف دو هلی‌کوپتر ارتش رژیم صهیونیستی را هم که گهته می‌شود مربوط به ترور یا ربون ما بوده است، من مطمئن نیستم. برای این‌که من در بیروت هستم، این هلی‌کوپترها بزرگ هستند و نفرات زیادی را حمل می‌کنند. نمی‌توانند از جنوب به بیروت بیایند. بهترین‌شان از حیث نوع، از طرف دریا می‌آیند. پس من مطمئناً که هدفی در جنوب و در بقاع بوده است، نه در بیروت.

در پرواز چهل دقیقه‌ای سکوت کردیم انگار که برای را باخته بودیم. ترامپ علی‌رغم اینکه به‌طور میانگین در ده نظرسنجی روزهای قبل از انتخابات مقدماتی، هفت امتیاز از رقیب خود پیش بود، بیش از سه امتیاز آیووا را از دست داد.

لواندوفسکی می‌دانست که در زمینی متزلزل قرار دارد و به‌جای آوردن استعدادهای موردنیاز برای کمک به موفقیت کمپین ما، به نظر می‌رسید غیرقابل اعتمادتر و تدافعی‌تر شده است. من سعی کردم با استخدام بیل استپین^۸، یک عامل اجرایی با تجربه در کمپین که توسط یکی از معدود

خاطرات «جرد کوشر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا– ۲۱

سفرهای انتخاباتی

دقتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

صبح روز انتخابات حزبی، نظرسنجی دمویین رجیستر^۱، الگوی درجه یک در آیووا، گزارش داد که ترامپ پنج امتیاز از تد کروزر سناتور تگزاس^۲ جلوتر است. ترامپ از ایوانکا که پسر ما نتودور را شش‌ماهه باردار بود، خواسته‌تو تا در یکی از بزرگ‌ترین محل‌های انجمن در این ایالت، در کنار کروزر و سناتور کنکاتی، رند پل^۳، هر صد نفر بود. امکان ایجاد سیستم ارتباطی مستقل در کرانه باختری و غزه در چارچوب بحث درباره استقلال آن نیز مطرح شد. براساس محاسباتی که انجام دادیم پتانسیل افزایش آن خیلی زیاد بود. معتقد بودیم که در آینده نزدیک حدود سیصد هزار خط تلفن جدید به مناطق مستقل اختصاص داده خواهد شد. چنین افزایشی مستلزم سرمایه‌گذاری حدود نیم میلیارد دلار بود. در این پروژه ارتباطات را به‌عنوان اهمی برای رشد پرشتاب اقتصادی می‌دانستیم. هر کارآفرین امروزه می‌داند که راه رشد سریع از مسیر ایجاد زیرساخت مدرن می‌گذرد. چنین زیرساختی برای بنیان سرمایه‌گذاری‌های دیگر استفاده می‌شود، اشتغال برای صدها خانواده ایجاد می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سطح زندگی را سرعت می‌بخشد.

^[1] صبح روز انتخابات حزبی، نظرسنجی دمویین رجیستر۱، الگوی درجه یک در آیووا، گزارش داد که ترامپ پنج امتیاز از تد کروزر سناتور تگزاس۲ جلوتر است

^[2] صبح روز انتخابات حزبی، نظرسنجی دمویین رجیستر۱، الگوی درجه یک در آیووا، گزارش داد که ترامپ پنج امتیاز از تد کروزر سناتور تگزاس۲ جلوتر است